

جغرافیای تاریخی کوفه

حسین ایزدی(1)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 4 - زمستان 79

در دوره خلافت خلیفه دوم، مسلمانان که هدف فتح ایران را در سر داشتند، به دنبال محلی بودند که علاوه بر نزدیکی به مرز ایران، از نظر آب و هوایی، مطلوب ساکنین جزیره العرب باشد؛ از این رو سعد بن ابی وقاص پس از مکاتبه با خلیفه دوم، به سلمان فارسی و حذیفه بن الیمان مأموریت داد تا به دنبال محلی مناسب جهت اسکان خود و گله شترانشان باشند. در پی این مأموریت، منطقه ای در ساحل غربی رود فرات و نزدیکی شهر باستانی حیره انتخاب گردید، که بعدها کوفه نامیده شد، و این اولین شهری بود که پس از ظهور اسلام، به وسیله مسلمانان ساخته شد.

خداوند در قرآن می فرماید: (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا). (2) و دقیقاً به همین دلیل است که تمامی تمدن های بزرگ در کنار دریاها و رودخانه های عظیم تشکیل شده است؛ یا به عنوان مثال، بین النهرین که یکی از مهم ترین و قدیمی ترین حوزه های مهم تمدنی جهان می باشد در کنار دو رودخانه دجله و فرات واقع گردیده است. لغت (بین النهرین) اختصاص به این منطقه خاص داشته و برای هیچ منطقه دیگری که بین دو رود واقع شده باشد استعمال نمی شود؛ به عنوان مثال، به مناطق اطراف دو رودخانه سیحون و جیحون در شرق ایران، ماورالنهر می گویند. طبیعت جلگه پهناور بین النهرین که دو رود بزرگ دجله و فرات در آن جریان دارد از دو بخش تشکیل یافته است؛

1- قسمت شمالی، که دارای مراتعی سر سبز بوده و در واقع، قلمرو اصلی دولت باستانی آشوریان است.
2- قسمت جنوبی که به دلیل رسوبی بودن خاک آن، بسیار حاصل خیز بوده و نخلستان های پر ثمر آن از نهرهایی که از دجله و فرات منشعب شده اند سیراب می گردد. ساکنین جنوبی بین النهرین نه تنها مشکلی به نام کمبود آب نداشتند، بلکه در موافقی، فراوانی آب، مشکلاتی همچون طغیان رودخانه ها و جاری شدن سیلاب های مخرب را برای آنان در پی داشت. پس از انقراض ساسانیان و با ورود اعراب مسلمان به این منطقه، قسمت شمالی آن را، به دلیل قرار گرفتن در میان آب دو رود دجله و فرات به هنگام طغیان، و نیز به دلیل این که ساکنان این منطقه تا آن زمان تجمع این میزان آب به دور یک دشت وسیع را مشاهده نکرده بودند، (جزیره) نامیدند. این سرزمین، یعنی قسمت شمالی بین النهرین، به سه بخش تقسیم می شد که هر بخش را (دیار) می گفتند. سه دیار شمالی بین النهرین عبارت بودند از: دیار بکر، دیار ربیع، و دیار مضر، که در واقع از نام سه قبیله ای که قبل از ظهور اسلام و در زمان ساسانیان به آن جا کوچ کرده و تحت فرمانروایی ساسانیان در آمدند گرفته شده است. شهر (آمد) که در ساحل رود دجله و در جنوب ترکیه قرار داشت مرکز دیاربکر و محل سکونت بکریان بود. (موصل) که در ساحل رود دجله و در شمال عراق قرار داشت بزرگ ترین شهر دیار ربیع و محل سکونت قبیله ربیع بود، و محل سکونت مضریان، (رقه) بود که در ساحل رود فرات و در شمال سوریه قرار داشت. قسمت جنوبی بین النهرین نیز توسط اعراب، (عراق) نامیده شد. کلمه (عراق) در لغت، (ساحل دریا به طور درازا)، (بستر رودخانه از ابتدای جریان تا ریزش به دریا)، و (پایین تا بالای رودخانه) معنی شده و به معنی صخره و ساحل هم آمده است. نگاهی به وضعیت طبیعی سرزمین عراق، با توجه به وجود دو رود دجله و فرات، علت این نام گذاری را روشن می نماید. اکثر جغرافی نویسان مسلمان مرز بین دو بخش بین النهرین، یعنی عراق و جزیره، را خطی قرار داده که تقریباً از شهر تکریت در شمال بغداد به سمت غرب امتداد می یافت و بدین ترتیب، بسیاری از شهرهای ساحلی را که در شمال شهر (انبار) قرار داشت داخل در منطقه عراق [بین النهرین جنوبی] نمودند. این خط مرزی، رود فرات را از جنوب شهر (عانه) در محلی که این رود به طرف جنوب خمیدگی بزرگی پیدا می کند قطع می نماید. (3) جنوب بین النهرین در گستره خاکی بسیار وسیع پدید آمده که از طرف شرق در پناه چنبره عظیم زاگرس قرار دارد و از طرف غرب با شیبی ملایم به سوی بیابان شام بالا می رود. چهره طبیعی خاک عراق از بغداد تا خلیج فارس به طرز شگفت انگیزی متفاوت است و آب در آن نقش عمده ای دارد. علاوه بر این، مناظر طبیعی آن نیز از تنوع بیشتری برخوردار است. ناهماهنگی طبیعی این منطقه با بیابان شام در طول انحنای بزرگی که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد کاملاً واضح و مشخص است. در کوه پایه های سلسله جبال زاگرس در شرق عراق، پنجه های آبرفتی عظیمی در کنار هم قرار دارند که شعاع پایه آن ها معمولاً به بیش از پانصد کیلو متر می رسد و شیب آن ها به قدری کند است که به نظر، دشت هایی با ابعاد نامحدود مآید. این پنجه های آبرفتی که از دهانه تنگ زاگرس یا از دره های چین خورده کوهستانی واقع در دامنه رشته کوه زاگرس آغاز می شود، در زندگی مردم بومی منطقه، یعنی کشاورزان، عشایر بختیاری و قبایل عرب، دارای اهمیت بسیار و نقش اساسی است؛ زیرا باعث می شود که آب شرب و مورد استفاده آن ها به خوبی زهکشی شده و کوهپایه ای خشک پدید آورد که اگر به درستی آبیاری شود برای کشت و زرع بسیار مناسب است. البته گفتنی است که این عنصر حیاتی از هر بلا و آفت محتمل الوقوع دیگری برای این سرزمین خطرناک تر بوده است، زیرا در این منطقه طغیان رودخانه ها ابعاد بسیار عظیمی به خود گرفته و زمین های اطراف خود را تا شعاع ده ها کیلومتر در آب غرق می کند.

پس از فتح قسمت شمالی و جنوبی بین النهرین توسط مسلمانان در قرن اول هجری، این منطقه و بویژه قسمت جنوبی آن یعنی عراق که تا پیش از ورود اسلام، بخش مرکزی امپراطوری ساسانیان بود با مهاجرت و حضور و اسکان گسترده قبایل عرب تبدیل به یک سرزمین صددرصد عربی شد. پس از پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه در سال چهاردهم هجری، و تصرف شهر تیسفون پایتخت ساسانیان، خلیفه دوم به سعد بن ابی وقاص فرمانده سپاه اسلام در عراق دستور داد تا در آن جا بماند. بدون شك وی چنین اقدامی را با نیت استحکام بخشیدن به سیطره مسلمانان در عراق تا فرار سیدن زمان مناسب

برای پیشروی به عمق خاک ایران انجام داد. مسلمانان پس از حدود چهارده ماه سکونت در شهر مداین [تیسفون]، احساس خستگی کرده و نتوانستند با محل جدید سکونت خود که دارای آب و هوایی مرطوب، نا سالم و متعفن بود خو بگیرند. به رغم امتیازهایی که يك شهر ساخته و سازماندهی شده در اختیار آنان می گذاشت، آب و هوای این شهر مطلوب ساکنین جزیره العرب نبود؛ حشرات موزی به گله و رمه آنان حمله ور شده و آنان را آزار می دادند، در حالی که در بیابان های عربی عربستان نه تنها با چنین مشکلی روبرو نبودند، بلکه در آن جا از هوای پاک و سالم و مراعاتی باز و سرسبز نیز بهره مند بودند. بدون تردید لزوم خو گرفتن با محیط طبیعی در هر نقطه ای که اعراب قصد سکونت در آن را داشتند بسیار حایز اهمیت بود. آن ها به دلیل در اختیار داشتن گله ها و رمه های خویش و بویژه شترهایی که از جزیره العرب با خود آورده بودند، با جایی سازش پیدا می کردند که هم دارای محیطی خشک، استپی و صحرایی باشد و هم از موقعیت زراعی مناسبی برخوردار باشد. در واقع، فرماندهان مسلمان در بین النهرین به دنبال يك موقعیت و محل مناسبی بودند که مراقبت و حفاظت از مناطق تازه تصرف شده در بین النهرین جنوبی [عراق] را امکان پذیر کند، بدون آن که از دنیا له خاک عربستان به واسطه مراتع طبیعی مثل رودخانه و دریا جدا باشد. سعدبن ابی وقاص پس از مکاتبه با خلیفه دوم و منعکس نمودن مشکلات ناشی از حضور مسلمانان در مداین، طبق دستور وی به دنبال جایی بود تا مناسب زندگی اعراب و شترهایشان باشد. (4) سلمان فارسی به دلیل ایرانی بودن و آشنایی با منطقه، به همراه حذیفه بن الیمان مأمور پیدا کردن چنین مکانی شد. آن ها در طول رود فرات حرکت کرده و پس از بررسی دو سه منطقه، مثل شهر انبار، منطقه نسبتاً مرتفعی را در کنار ساحل غربی رود فرات و نزدیک شهر باستانی حیره انتخاب نمودند و به دنبال آن، سعدبن ابی وقاص به نیروهای تحت امر خود دستور داد تا همگی به این منطقه کوچ کرده و در آن جا چادر زده و ساکن گردند، و این اولین شهری بود که پس از ظهور اسلام به وسیله مسلمانان ساخته شد و (کوفه) نام گرفت. (5) علت نام گذاری آن به این اسم این بود که محل انتخاب شده، در قطعه زمینی دایره وار که در آن ریگ و گل و شن درهم آمیخته و خاک آن سرخ رنگ بود قرار داشت که عرب به چنین زمینی کوفانا می گوید، که این نام به تدریج به کوفه تغییر یافت. هشام بن محمدکلبی که از اولین جغرافی نویسان مسلمان است در این باره چنین می گوید: (نام کوفه از تپه کوچکی که در وسط آن شهر واقع بود به نام کوفان گرفته شده و به قول بعضی کوفان به معنی بلا و شر است). (6)

پس از مدتی که از سکونت مسلمانان در کوفه گذشت چادرهای پشمین قبایل عرب تبدیل به خانه های ساخته شده از نی و سپس تبدیل به خانه های خشت و گلی شد. اولین ساختمانی که در شهر کوفه بنا گردید و تقسیم بندی شهر و محله های آن بر اساس آن و در کنار آن انجام شد، مسجد جامع کوفه بود که ساخت آن هم زمان با حضور مسلمانان در این منطقه آغاز شد. تعیین حدود و فضای مورد نیاز ساخت مسجد از طریق پرتاب تیر انجام شد؛ بدین صورت که يك نفر تیرانداز در مرکز محل مسجد که از قبل تعیین شده بود قرار گرفته و اقدام به پرتاب تیر چهار جهت اصلی نمود. (7) قبله مسجد در جنوب غربی به عنوان نقطه مبدأ در نظر گرفته شد. به این ترتیب يك محیط چهارگوش که هر ضلع آن دو برابر غلوه (8) بود معین گردید. بنابراین، هر ضلع مسجد کوفه 480 متر و مساحت آن 230400 متر مربع، یعنی 04 / 23 هکتار بود، که گنجایش تعداد بسیار زیادی از نمازگزاران را داشت. (9)

در واقع، شکل ابتدایی کوفه از سه عنصر تشکیل یافته بود: اول، منطقه وسیع مرکزی که منطقه ای است مذهبی و سیاسی و نظامی شامل مسجد و دارالاماره، یعنی مرکز فرماندهی و تجمع مردم، دوم، زمین های محل سکونت قبایل که مرزبندی و تعیین حدود شده بود. به هر گروه از قبایل عرب که در فتح بین النهرین و نبرد قادسیه و آغاز بنای کوفه شرکت داشتند و به آن ها (اهل الایام و القادسیه) می گفتند، محله ای جهت سکونت و فضایی باز برای چرای شتران، ساخت خانه های جدید و گورستان داده می شد. این محل ها در بسط و توسعه شهر کوفه از اهمیت زیادی برخوردار بود، زیرا فضای کافی را برای کسانی که بعدها به سوی کوفه میآمدند آماده می کرد.

سومین عنصر تشکیل دهنده شکل ابتدایی کوفه، عنصر جدا کننده و آمد و شد یا همان کوچه ها و خیابان های اولیه کوفه بود که ضمن جداسازی سهم قبایل مختلف از زمین ها، تجمع سریع و حضور به موقع سربازان در مرکز شهر یعنی مسجد دارالاماره را نیز امکان پذیر می کرد. در کنار این موارد که تشکیل دهنده فضای مرکزی شهر کوفه بود بخشی دیگر وجود داشت که به رغم نزدیکی به مقر فرماندهی حاکم کوفه و مسجد مرکزی، کاملاً از این دو جدا بود؛ بازارهای کوفه در زمان تأسیس این شهر در طی دوران حکومت خلفای راشدین سازماندهی و منظم نشد، بلکه در زمان امویان و با توجه به اهمیت سیاسی و نظامی کوفه در اداره حکومت عراق و ایران شکلی جدی و رسمی به خود گرفت و رونق و گسترش یافته و از کالاهای مختلف پر شد. مسأله مهمی که پس از شکل گیری شهر کوفه، به عنوان يك شهر نو بنیاد اسلامی، در تاریخ این شهر و ساختار اجتماعی آن اهمیت دارد، حضور قبایل مختلف عرب در آن می باشد. در ترکیب جمعیتی شهر کوفه تعداد افرادی که از نواحی دور دست آمده بودند بین پانزده تا بیست هزار نفر برآورد می شد که ساخت و ترکیب قبیله ای بسیار ناهمگونی داشتند و هیچ طایفه بزرگی که در کوفه حاکمیت را در دست داشته باشد نداشت. شهر کوفه بر اساس تقسیم بندی قبایل که سعدبن ابی وقاص پس از مشورت با عمر بن خطاب انجام داده بود، از هفت بخش قبیله ای تشکیل می شد که شامل قبایل مختلف نزاری و یمنی بود. بسیار مشکل است که تعداد دقیق اولین مهاجرین و قبایل حاضر در کوفه را مشخص کرد. محمد بن جریر طبری در کتاب (الرسول و الملوك) روایات مفصلی در مورد قبایل حاضر در نبرد قادسیه که در شکل گیری و تأسیس کوفه نقش مهمی داشتند ارائه داده و می گوید سی هزار نفر از اعراب در این جنگ شرکت داشتند. با توجه به احتمال مبالغه آمیز بودن این رقم، باید گفت که احتمال حضور تمامی این سی هزار نفر در مهاجرت به کوفه و سکونت در آن جا نیز بعید است. یاقوت حموی درباره جمعیت و ساختمان کوفه می گوید: (عمر بن الخطاب به سعدبن ابی وقاص دستور داد مسجد جامع کوفه را به نحوی طراحی کند که گنجایش چهل هزار نفر سربازی که می بایست در آن جا مستقر شوند داشته باشد). (10) احمد بن یحیی بلاذری در (فتوح البلدان) در این باره چنین گزارش می دهد: (تعداد کل مهاجرین اولیه به کوفه بیست هزار نفر بود که از دوازده هزار نفر یمنی و هشت هزار نفر نزاری تشکیل شده بود). (11) وی چهار هزار نفر از دیلمیان که با مهاجرین عرب، ساکنین اولیه کوفه را تشکیل می دادند را نیز با این رقم اضافه می کند. (12)

سربازان بیشتر، که مهاجرت و حضور قبایل بیشتری را در بین النهرین به دنبال داشت، جمعیت کوفه نیز رشد سریعی نمود. تازه واردین عرب که به آن‌ها (روادف) می‌گفتند، پس از تکمیل فتوحات شام و مصر دیگر هیچ‌گونه فرصتی را برای کسب غنایم در مناطق غربی نیافتند و از آن‌جا که احتمال حمله مجدد به امپراطوری ساسانی و زمین‌گسترش قلمرو خود در شرق را پیش‌بینی می‌کردند در این فکر بودند که حضور آنان در کوفه فرصت جدیدی برای کسب غنایم جنگی خواهد بود. دومین جریان جمعیتی در کوفه، آغاز دور جدید مهاجرت ایرانیان بود که پس از چهارهزار نفر دیلمی، رو به این شهر آورده بودند. بخشی از این مهاجرین، کسانی بودند که در جریان سه نبرد قادسیه، جلولاء و نهاوند به عنوان برده اسیر شده و اکثر اسلام را از صاحبان عرب خود پذیرفته و آزاد شده بودند، ولی به صورت هم‌پیمان قبایل عرب باقی مانده بودند. از طرف دیگر، وابستگی جغرافیایی نسبت به این شهر که در مرکز حکومت سابق ساسانی قرار گرفته بود آن را برای مردم ایران که وسایل زندگی و معیشت خود را در امپراطوری ساسانی از دست داده بودند، به محل مناسبی جهت مهاجرت تبدیل می‌نمود. از سویی دیگر، تعداد زیادی از روستائیان ایرانی بودند که با سقوط نظام ساسانی و آزادی و عدالتی که حکومت اسلامی برای آن‌ها به ارمغان آورده بود امکان رشد و حضور در سایر طبقات اجتماعی را یافته بودند برای پیدا کردن مشاغل جدید راهی شهرهای مختلف شدند که در این میان، کوفه که در مرکز بین‌النهرین جنوبی قرار داشت مکان مناسبی برای وصول به این امر بود. در واقع، شهر کوفه به لحاظ حضور نسبتاً پر تعداد ایرانیان در آن جو اجتماعی سازگاری را برای اقامت سایر ایرانیان ایجاد می‌کرد. متأسفانه ایرانیان حاضر در کوفه به رغم قبول اسلام و مجاهدت و فداکاری در راه آن، در نظام اجتماعی شهر کوفه از موقعیت مساوی با شهر وندان عرب برخوردار نبودند و آنان را (موالی) می‌خواندند که نشان از دون‌پایگی اجتماعی آنان در نزد اعراب داشت. آن‌ها در دوران حکومت سه خلیفه اول به شدت تحت فشار بوده و طعم تلخ اهانت‌ها و تبعیض‌های قومی را از نزدیک لمس کرده بودند. اما حضرت علی(ع) در دوران حکومت خود سعی فراوانی در جهت حفظ حقوق ایرانیان، هم‌پای سایر مسلمانان نمود و زمانی که اعتراض و مخالفت اشراف قبایل عرب به رعایت حال ایرانیان در موارد مختلف، از جمله تقسیم بیت‌المال، را مشاهده نمود، خطاب به آنان فرمود: (تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل بر اسحاق به اندازه یک چوب برتری نیافتم). (البته این برخورد حضرت اختصاص به مردم ایران نداشت، بلکه ایشان در پیاده کردن احکام اسلامی به هیچ‌وجه قومیت و جایگاه طبقاتی و اجتماعی را دخالت نمی‌داد. با حضور علی(ع) در کوفه و نحوه عملکرد و جدیت ایشان در پیاده کردن احکام اسلام، موقعیت سیاسی امتیازهای اقتصادی بسیاری از اشراف قبایل عرب در معرض خطر از دست رفتن قرار گرفت. آن‌ها در معاویه بن ابوسفیان و نحوه حکومت وی، احیای امتیازات دوران جاهلیت و نیز سود بیشتر را می‌دیدند، ولی در عین حال مردد بودند که خود را به طور کامل تسلیم وی نمایند، زیرا نمی‌خواستند زیر سلطه اشراف و قبایل مستقر در شام باشند. این افراد به صورت ظاهر در صف ارتش علی(ع) قرار داشته و حتی با حضرت بیعت هم می‌کردند، ولی تعداد زیادی از آنان مثل اشعث بن قیس کندی با معاویه ارتباط برقرار کرده و با مذاکرات مخفیانه سعی در احیای امتیازات قومی و قبیله‌ای خود داشتند و معاویه هم از این موقعیت ایجاد شده، در راه پیاده کردن اهداف خود سود می‌برد. اشراف و روسای قبایل کوفه و به تبع آن، مردم و اهالی قبایل ساکن در کوفه از رویارویی مستقیم با خطری که امکان وقوع آن وجود داشت گریزان بودند و تجارب تاریخی نشان داده بود که عملاً فاقد شهامت لازم و ثبات قدم در بحران‌های سیاسی و انجام فعالیت‌های انقلابی در کوفه بودند. این مسئله شهر کوفه را به شهری نامطمئن و بی‌ثبات در حرکت‌های سیاسی که علیه امویان انجام می‌گرفت تبدیل کرده بود و حکومت اموی با توجه به بافت ناهمگون قبیله‌ای این شهر و پایبندی اشراف قبایل کوفه به امتیازات سیاسی - اجتماعی و منافع مادی خود، اکثر قیام‌هایی که در این شهر علیه آنان پامی گرفت را در خون فرو می‌نشاندند. در رأس این حرکت‌ها، قیام حضرت امام حسین(ع)، قیام قواین و قیام زیدین علی بود.

به دلیل اقدامات امویان در جهت توسعه قلمرو و کسب منافع بیشتر در مرزهای شرقی، یعنی ایران و ماورالنهر (سیحون و جیحون)، شهر کوفه به عنوان پایگاه سیاسی - نظامی آنان در بین‌النهرین و به عنوان مرکزی برای کنترل و نظارت بر فلات ایران مطرح بود. در واقع، در عهد امویان حاکم عراقین (بصره و کوفه) حاکم اصلی ایران تا حدود خراسان بزرگ نیز محسوب می‌شد و این امر باعث افزایش اهمیت نظامی - سیاسی و بالطبع رونق اقتصادی کوفه در عهد امویان شده بود. اثرات این رونق اقتصادی در دوران خالد بن عبدالله قسری که از سال 105 تا 120هـ، حاکم عراق بود نمایان گردید، به نحوی که به دستور خالد بازارهای زیادی ساخته شد و برای هر صنفی از بازرگانان سرا و در بندی در نظر گرفته شد. بها و اجاره این اماکن تجاری به حدی بود که تأمین‌کننده نیازهای ده هزار مرد جنگی حاضر در کوفه بود. (13) پس از انقراض امویان به دست عباسیان در سال 132هـ و استقرار حکومت عباسی، کوفه اهمیت سیاسی نظامی و به دنبال آن، اهمیت اقتصادی خود را از دست داد. در عصر عباسی دوم با تضعیف قدرت سیاسی بنی‌عباس، شهر کوفه در پی حملات قبایل بدوی و غارتگر عربستان، بویژه فرامطه (گروهی از اسماعیلیان) و طوایف شمر و خفاجه، به شدت لطمه خورد و تخریب گردید. با توجه به گذشته تاریخی و وقایع تلخی که در این شهر اتفاق افتاده بود، حکومت‌هایی مانند آل بویه و سلجوقیان و یا حکومت‌های پس از سلاجقه که بر بین‌النهرین تسلط پیدا کردند، دیگر تمایلی به بازسازی و توسعه شهر کوفه نداشتند؛ بویژه آن‌که اهمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی مذهبی کوفه در مقیاس بسیار وسیع‌تر به شهر بغداد که در سال 145هـ، به وسیله منصور دومین خلیفه عباسی ساخته شده بود منتقل گردیده بود. ابن جبیر سفرنامه نویسنده مسلمان که در سال 580هـ، شهر کوفه را از نزدیک مشاهده کرده، درباره آن چنین می‌گوید:

(کوفه شهری است بزرگ و کهن‌ساز که ویرانی بسیاری بر آن دست یافته و ویرانه‌هایش بیش از آبادی‌های آن است. یکی از اسباب ویرانی کوفه وجود قبیله خفاجه در همسایگی شهر است که همواره بدان گزند رسانند و همین بس که به نوالی روزها و شب‌ها بدان شهر در آیند و آن را غارت ویران کنند. ساختمان‌های این شهر، بویژه آجرهای آن و شهر دیوار ندارد و مسجد جامع کهنه در انتهای شرقی شهر است و از سوی شرق هیچ ساختمانی بدان مسجد که بسیار بزرگ است پیوسته نباشد این مسجد در سمت قبله پنج رواق و در دیگر جوانب هر یک دو رواق دارد و این رواق‌ها را ستون‌های سنگی سخت تراش خورده‌ای است که قطعه قطعه بر روی هم نهاده شده و با سرب به هم پیوسته است ولی طاق‌هایی بر آن صفت که در مورد مسجد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مدینه ذکر کردیم، ندارد. این ستون‌ها را بسیار

بلند افراشته و به سقف پیوسته اند چنان که دیدگان از فزونی بلندای آن به حیرت می افتد، و من در زمین، مسجدی با ستون های بلندتر و سقف افراشته تر از آن مسجد ندیدم. (14)
در واقع، شهر کوفه از قرن 6هـ، به صورت شهری مرده در آمد که موجودیت آن به دلیل سابقه تاریخی اش در اسلام حفظ شده، و یادآور حوادث و وقایع تلخ و ناگواری است که در تاریخ اسلامی به وقوع پیوسته است.

پی نوشت ها:

1. عضو هیات علمی گروه تاریخ موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع).
2. ما هر چیز را از آب زنده گردانیدیم.
3. به نقشه راهنمای بین النهرین رجوع شود.
4. طبری، الرسل و الملوك وقایع سال 17هـ، ج 5، ص 45-46 و 1843-1844.
5. احمدبن یحیی بلاذری - فتوح البلدان، ص 36-37.
6. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 4، ص 490.
7. طبری، همان، ص 1848-1851.
8. غلوه فاصله ای است معادل 125 فرسنگ، یعنی 240 متر.
9. هاشم جعیط، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ص 107.
10. یاقوت حموی، همان، ص 491.
11. احمدبن یحیی بلاذری، همان، ص 37-41.
12. احمدبن یحیی بلاذری، همان، ص 37-41.
13. یعقوبی، البلدان، ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی، ص 89.
14. محمدبن احمدبن جبیر، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی.